

میزگرد هفت هنر:

بحثی در بارهٔ تئاتر

بحث در بارهٔ تئاتر ، موضوع نخستین جلسه میزگرد مجلهٔ هفت هنر بود که با حضور آقایان : ابوالحسن و ننده ورده و وفا جمشیدشاه محمدی ، ایرج زهری و گروهی از دانشجویان دختر و پسر انستیتو تربیت مربیان امور هنری ایر گزار شد . و اینست گفت و شنودها بر سر این میز گرد :

دقیقاً بررسی نشده در ایران خود ما امکان دارد در زمان هخامنشیان نمایش وجود داشته که از تئاتر و از آثار کلاسیک یونان تأثیر و الهام گرفته بوده است ، اما این نمایشها برای عموم و بین آنها رایج و شایع نبوده

.....
وفا- اصولاً تئاتر ۵۰۰۰ سال سابقه دارد، نیاز بازی کردن در انسان همیشه وجود داشته چه زمانی که در غار زندگی میکرد و چه زمانی که وارد زمینه اجتماعی شده . منتهی در ایران البته سوابقی هست که

بلکه در دربار ویا گروه‌های خاص این گونه
نمایشها را اجرا میکردند.

از هخامنشیان میگذریم و بدوره اسلامی
توجه می‌کنیم. مثلاً میرسیم بدوران آل بویه.
میدانید که آل بویه یک سلسله ایرانی بود.
در واقع آل بویه این نهضت ایرانی و این
سیستم سیاسی ایران برای اینکه خودش را
تثبیت بکند و بمردم بقبولاند که خلیفه مقام
خلافت را غصب کرده است توجه بخاندان
علی و قضیه قاتلان حسین را مطرح می‌کند.
در هر حال آغاز می‌کنند با خواندن نوحه
و بعد فکر میکنند اگر سنج هم بزنند بهتر
است و بعد میگویند اگر خاک هم روی سرمان
بریزیم بهتر خواهد شد و اگر مقداری گاهم
بریزیم روی خودمان مردم بیشتر متأثر
خواهند شد. می‌آید جلوتر فکر میکنند اگر
روی تخته‌ای - مثل قرون وسطی که
گروه گروه در میدان انجام میدادند -
مثلاً شیری درست کنند امکان دارد موثرتر
باشد. همینطور این گروهها و کارهایشان
می‌آید جلو که تبدیل می‌شود به تعزیه ساده
و شکل نمایشی میگیرد - طبق تحقیقی که
کرده‌ام در حدود ۳۹ آلت موسیقی در
تعزیه‌ها بکار میرفته. این جریان همینطور
ادامه داشته تا میرسیم به دوره قاجار
و میرسد بدوره پرشکوهی که در
تسکيه دولت ما می‌بینیم ۶ هزار جمعیت
این محل در خودش جای میدهد. از صبح
می‌آیند جا میگیرند - شاه و درباریان نیز
بتماشای تعزیه می‌آیند و با اصطلاح مورد قبول

دستگاه حکومت قرار می‌گیرد و تعزیه شکل
خیلی پرشکوه و محکمتر پیدا می‌کند،
این یک رشته نمایشی است در ایران - در
جوار این همینطور که اطلاع دارید هنر
مخصوصاً متأثر از مذهب ریشه میگیرد.

حالا میگوئید چه جور. فرض کنید در
کلیسا کشیش انجیل میخواند ولی می‌بیند
مردم جمع نمیشوند. می‌آیند دو تا پسر بچه
میگذارند - ارگ اضافه میکنند. گروه
کر اضافه میکنند و مانند گروه همسرایان
یونان بخواندن انجیل می‌پردازند که کشیش
میخواند و بقیه هم آوازی میکنند.

بعد از مدتی می‌بینند باز مردم رغبت
به کلیسا ندارند بدینجهت مراسم را از کلیسا
به جلودر کلیسا انتقال میدهند و بمحض اینکه
مراسم از کلیسا خارج میشود رنگ و فرم
مسائل و مفاهیم آن عوض می‌شود که دیگر
خواندن انجیل مورد نظر نیست.

شکل مذهبی صورت اجتماعی بخود
میگیرد. صنف قصاب و عطار می‌آیند و برای
خودشان گروههای نمایشی درست میکنند
و مسائل اجتماعی‌شان را در این نمایشها مطرح
میکنند که در قرون وسطی می‌بینیم در ایران
هم همینطور می‌شود - وقتی تعزیه پامیگیرد
در کنارش کمدی‌های روحوزی چیزی شبیه
کمدی دلارته که در ایتالیا اجرا می‌شود که
پرسناژهای این کمدی با کمدی روحوزی
ایران شبیه هستند.

در کنار این نمایشها نمایشهای دیگری
نیز داریم. نمایشهای سایه داریم - نمایش

عروسی داریم که شکل‌های مختلفی دارد
میرسیم به ۵۰-۶۰ سال اخیر در ایران -
در اروپا تئاتر رواج دارد - مردم متوجه
هستند که تئاتر در سازندگی انسان و پیشبرد
فرهنگ نقش عجیبی دارد . ایرانی‌ها هم
میروند فرنگستان و بالطبع بتماشاخانه‌ها
و تئاترها میروند و نمایشنامه می‌بینند و
وبر میگردند به ایران - وقتی به ایران
بر میگردند تحت تأثیر نمایشنامه‌های دیده
میگویند ما هم باید برای گسترش فرهنگ
چنین برنامه‌هایی داشته باشیم - بنابراین
چنین نمایش‌هایی که در خانه پنهانی اجرا
میگردند می‌آید شکل تئاتری بخود میگیرد .
یعنی نمایشنامه‌های بزرگان مانند مولیر
گوگول را می‌گیرند و آداپته میکنند تا
اینکه نخست‌وزیر وقت می‌آید تئاتر بازی
میکند - نخست‌وزیر وقت شب می‌آید کریم
میکند .

گروهی که تحصیل کرده فرنگند می‌آیند
در زمینه تئاتر فعالیت میکنند . تئاتر پا
میگیرد . نمایشنامه‌هایی نوشته می‌شود و
جادارد شما پرسید که حالا تئاتر ایران
بکجا رسیده است یعنی از آن رنسانس تئاتر
در ایران ۵۰ سال پیش که ما با آن شکل
خوب شروع کردیم و آدم‌هایی بودند مثل نصر
که واقعاً خدمت زیادی بتئاتر کردند و کسان
دیگری مانند بایگان و امثال او....
این خلاصه‌ای بود برای اینکه يك سابقه
ذهنی داشته باشیم ، البته اگر ما بآن
سوابق و بآن ریشه‌ها توجه کنیم و بخواهیم

آنهارا تا امروز دنبال کنیم نتیجه واقعاً
وحشتناک است .

من مدتی در مورد تعزیه تحقیق می‌کردم
در تمان ایران ۹۰ نسخه تعزیه از ۱۸
تعزیه توانستم پیدا کنم در حالیکه کلکسیون
چرولی را در پاریس که دیدم ۱۸۰ تعزیه
داشت .

حتی تعزیه‌هایی که روی پوست نوشته
شده و روی کاغذهای پاکت سیگار اشنو..

رومی - همانطور که شما یاد آور شدید
تئاتر قدمت بیشتری دارد نسبت به سینما در
حالیکه ما می‌بینیم اصولاً نه در ایران بلکه
در جهان سینما از تئاتر پیشرفت زیادتری
داشته است . لطفاً بگوئید سینما چه
ویژگی‌هایی داشته که از تئاتر جلو افتاده و
پیشرفت زیادتری کرده .

وفا - عرض کنم خدمتتان - چندی پیش
که مراسم جایزه دادن سپاس برپا بود اگر
دقت کرده بودید می‌گفتید صنعت سینما نه هنر
سینما و اتفاقاً جای خوشحالیست که از این
فیلم‌ها باین ترتیب نام ببرند . در دنیا عده
زیادی عقیده دارند سینما هنر هفتم نیست .
سینما تکنیک است و صنعت - فرض بفرمائید
شما وقتی که این امکان را دارید که از
هنر پیشه ۵۰ مرتبه فیلم بگیرید و از این
۵۰ مرتبه یکی را انتخاب کنید بنابراین
می‌بینید که بازی کردن در سینما آسان‌تر
است - ولی نمی‌توان تئاتر را با سینما مخلوط
کرد . عواملی در سینما است که سینما را
کاملاً جدا می‌کند . و این مسئله که گفتید

من موافق نیستم - تئاتر خیلی در حد خودش پیشرفت کرده است ولی شکل عجیب و غریبی بخود گرفته تئاتر امروز دنیا واقعاً سرسام آور شده است - ژان پل سارتر که نمایشنامه نویس نیست ولی نمایشنامه می نویسد بخاطر اینکه جهان بینی و ایده الوژی خود را از طریق تئاتر ارائه دهد. مثلاً روشنفکران در بابل ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد چیزهایی گفتند که هنوز در فلسفه پوچی گرایان امروز طرح نشده. و بعد این عوامل در خدمت تئاتر میآید و پی در پی تئاتر را پیچیده تر می کند - همش فلسفه - همش تفکر تئاتری که بگرد این مسائل دور می زند فکر میکنید که برده ماشین میشود؟

رومی - من بیشتر میخواستم روی تئاتر ایران صحبت کنید.

وفا - اگر منظور شما ایران است که من توضیح دیگری عرض می کنم .
رومی - بله، خصوصاً ایران.

در ایران ۴۰ - ۵۰ سال پیش همانطور که گفتم نمایش رو حوضی با بدیهه سرائی شروع شد. دیالوگها خیلی روزنامه ای و روبروده، بازیگران روحوضی آدمهای روشنفکری نبوده اند، اغلب بیسواد بوده اند. اگر از نظر شکل کلی و فرم و محتوی فکر کنیم تئاتر ما از پیش مقداری عقب آمده - البته دلائلی دارم. اما چون سینما یک هنر نوپا بوده است. نظر مردم را بیشتر بخود معطوف داشته است و این تبلیغات را جدی نگیرید. سینما در ایران پیش نرفته.

توده مردم گرایش پیدا کرده اند به فیلم در در حالی که این گرایش به تئاتر کمتر است و آدمهای محدودی به تئاتر میروند و این در شهرستانها زیاد بچشم میخورد که هیچ تفریحی نیست جز سینما.

فلاح - آقای وفا پیشرفت مادر دهساله اخیر چقدر بوده؟

وفا - دهساله اول از جهت ترویج تئاتر در کشور ما آوردن بازیگر زن در نمایشنامه ها و تفهیم تئاتر بمردم از اینکه تئاتر یک مسئله فرهنگی است اهمیت بسزائی دارد.
اما در دهه اخیر کار تئاتر ما رو ال وجهت مشخصی ندارد.

مثلاً من میآیم یک نمایشنامه آلمانی یا فرانسوی را در ایران اجرا می کنم بدون اینکه زیر بنای اجتماعی آنها بسنجم. بدون اینکه خلق و خوی مردم آنجا را بسنجم درست است که ما بوسیله ارتباط جمعی از وضعیت آنها خبر داریم ولی هر اجتماع برای خودش خلق و خوی خاصی را داراست که باید با توجه بآن کار کرد. ولی دست اندر کاران تئاتر ما از این مسئله مهم غافلند اینست که هرج و مرج گریبانگیر تئاتر در این دهساله آخر شده - توجه به تئاتر بیشتر شده - اما همانطور که گفتم تئاتر ما جهت ندارد در حالی که در کشورهای پیشرفته این هنر بجدی جلورفته است که حتی از نوعی تئاتر بنام پسیکودرام برای درمان بیماران روانی استفاده می کنند.

آذرشاه - شما فرمودید که تئاتر ما از شروع تا حالا کمی تنزل کرده ، آیا این عقب رفتن هنوز هم ادامه دارد یا اینکه افرادی هستند که ب فکر تئاتر باشند .
وفا - عرض کنم موقعی است که کاری با دلسوزی انجام می شود ولی گاهی کار جنبه شو دارد . اگر ایمان و اعتقاد باشد کار روبه بهبود میرود و پیشرفت میکنند در غیر این صورت تئاتر ما بزرگ کرده می شود و درونش خالی است من شکل ظاهری تئاتر را بهتر از قبل می دانم یعنی توجه میشود - افراد تحصیل کرده ای به تئاتر رو آورده اند ، دانشکده هایی برای هنر باز شده است ولی اینها هنوز ما را بجائی نرسانده اند - من هنوز پوسته ای می بینم بدون عمق ، بدون ریشه و بدون اینکه کار را روی محیط و مسائل اجتماعی خودمان پیاده کنیم البته این عقیده من است .

صادقی - آقای زهری آقای وفا گفتند نیاز به بازی در هر شخصی هست ... و چون کار ما در دبیرستانهاست ما چطور می توانیم از این نیاز به بازی بهره برداری کنیم و آنرا پرورش بدهیم در جهتی که سازنده باشد در جهت خودسازی بچه ها و حتی در تئاتر درمانی که مطرح شد .

زهری - مسئله خیلی بزرگ است - همه آدمها يك مقدار در زندگی بازی میکنند ولی همین بازی را اگر در صحنه از آنها بخواهیم نمیتوانند آنرا اجرا کنند، علت اینست که وقتی روی صحنه بازی میکنند تماشاگر قوم و خویش شما نیست و شما احساس جدائی

میکنید - آن چیزی که لازمه کار هنر پیشگی است انضباط هنری است که باید آنرا آموخت - ولی اینکه همه میتوانند بازی کنند من مخالفم و تمام تظاهراتی که بوسیله آنها اجرا می شود من تئاتر نمیدانم - یعنی ارزش تئاتر را آنچنان پائین نمی آورم که بگویم همه ما امکان این را داریم که بتوانیم بازی کنیم - البته نظرها مختلف است .

وفا - مسئله ای که من مطرح کردم ریشه روانی بازی کردن در انسان است - این اشتباه نشود - یعنی نیاز به بازی کردن نه بازی کردن در نمایشنامه .

زهری - این يك چیز دیگر است - در اینجا کاملاً بشما حق میدهم ، این مسئله ای است فلسفی که يك آدم بزرگی مثل **لوییچی پیراندلو** آن را مطرح کرده و نمایشهایی در این زمینه نوشته است . یعنی هر کس آرزویی دارد و در مواردی در لحظه هایی خودش را در رؤیای رسیدن به آرزو می بیند - ناگهان خودش را استاد می بیند زیرا تمام مدت با این ایده فیکس که باید استاد می شد کار کرده . این يك مسئله روانی است که آدمها دارند - این شکل موقعی پیش می آید که این تعادل روحی بوجود نیاید - یعنی که بنده ناچار باشم تمام عمر حرفهای دیگری بزنم و کارهای دیگری بکنم و تمام عمرم روی يك سیستم خیلی غلط که این سیستم سنتی ما ایرانیها است هرگز خودم را نشناسم و ندانم که واقعاً چه میخواهم و چکار باید بکنم - چون

بین خواستن و توانستن واقعاً فاصله خیلی زیاد است و خواستن توانستن نیست - چون بچه را عادت نداده اند که خودش را بشناسد و بداند چه میخواهد و چکار میکند و چون همیشه این جدائی بین آن چیزی که هست و آن چیزی که میخواهد وجود دارد اینست که این تظاهر بیبازی یعنی نمایش يك چیز تخیلی است .

رومی - آقای زهری آقای وفا
گفتند تئاتر کنونی ما نسبت به چند سال قبل پیشرفتی نکرده است یعنی تئاتری که در بیست و چند سال پیش آقای بایگان یا مجید محسنی و اشخاص دیگری اجرا میکردند از تئاترهای کنونی ما جلوتر بوده اند.

وفا - در تمام سطوح نیست - تئاتر در چند ساله اخیر که من گفتم جهت ندارد. نمایشنامه‌ها را در حالی که آدابته میکردند در سطح بالا قرار داشت - بفرض عارف آهنک‌ساز و شاعر معروف در يك ماجرا شعری میگوید که در مدت کمی بزبان مردم میافتند حالا کجا رسیده ایم رسیدیم به سوسن‌ها و آغاسی‌ها که کلمات را محاوره‌ای در تصنیف آورده اند و این سبک ، سبک سانتی -

مانتالیزم خیلی احساسات مبتذل قشری در آن است . در تئاتر هم ما تقریباً به من جا رسیده ایم فرض کنیم اگر در آغاز تئاترهای جدی بآن شکل گذاشته می شد که اجتماعی بود حالا بجز چند نمایشنامه و چند نفر نویسندگانی که میشد قدری روی آنها تأکید گذاشت بقیه در سطح خیلی مبتذل تر است

مثلاً نمایشنامه‌هایی که مانند ۷ کچل نمیدانم دایره چی .

زهری - مرد زنکی و دایره ...

وفا - دایره زنکی این در این حد میرسد از نظر نویسندگی سطح پائین آمده از نظر اجرا و کارگردانی با اینکه آنوقت ما کارگردانهای داشتیم که تئاتر را خیلی جدی میکردند - حالاً بی توجهی خیلی زیاد شده مثلاً آنوقت نمایشنامه بد از رادیو پخش نمیشد ولی حالاً پخش می شود آنوقت همه کس نمیتوانست خواننده شود ولی حالاً می تواند.

رومی - یعنی می خواهید بگوئید

تئاتر پیشرفت نکرده؟

وفا - پیشرفت که بهیچ وجه نکرده - منتها با اعتقاد من آشنائی ما با تئاتر غرب و عوامل آن مقداری ما را تربیت کرده که ما فرنگی مآب شویم - من نمایشنامه ها رو لدپینتر را اینجا اجرا می کنم . آخر یعنی چه - بدون اینکه عوامل اخلاقی را بسنجیم تئاتر خارجی را اجرا کنیم . این پیشرفت نیست . باید ببینیم خودمان چکار کرده ایم و چه برنامه‌ای ریخته ایم برای تئاترمان و چه مسیرهایی را طی کرده ایم .

زهری - من مخالف با حرفهای

آقای وفا هستم - یک مقدار وقتی خود ایشان اشاره کردند به نمایشنامه ها رو لدپینتر ما وضع خاص آمریکا را نداریم که تهیه کنندگانی داشته باشیم ، مدیر تهیه داشته باشیم ، کارگردان داشته باشیم و بالاخره يك موسسه چندین نفری و بودجه‌های هنگفتی که بعدکاری انجام

میشود. در ایران کارگردان همه کاره است - تهیه کننده - مترجم و نمایشنامه نویس است - برای اینکه مقیاسهای ما خیلی کوچکتر است و من میخواهم بگویم از ۵۰ سال پیش به این طرف خیلی پیشرفت کرده ایم نگاه کنید به نمایشنامه های اکبررادی و بایگان اصلاً بعقیده من ۲۰۰ برابر پیشرفت کرده ایم از همه لحاظ.

وفا - عرض کنم مسئله ای که من مطرح کردم - رفتن بریشه هاست - رفتن بعمق است، گذشته از چیزهای ظاهری قشری و شومانند، یعنی فرستادن فیلمهایی نظیر داش آکل به فستیوالها که میدانیم محتوی و فرم آن چیست اولاً وقتی تئاتری را مقایسه می کنیم و می گوئیم نسبت به پنجاه سال پیش تا امروز این در يك سطح کلی است کارهایی را که ما انجام میدهیم، نمایشنامه های مختلف میگذاریم - یا بر نامه ای که آقای زهری بقول خودشان سه سال است در تماشای نویسنده تمام اینها صورت ظاهری دارد و مقتضای زمان است. در انتظار گودو را که فرمودند برای اینکار مثال خوبی نیست، آقای رشیدی که این نمایشنامه را اجرا کرده است همانطور که قبلاً گفتم کارگردان باید جهان بینی داشته باشد و با توجه به تمام عوامل نمایشنامه را پیاده بکند. حالا آقای رشیدی که جایش پوچی گراست درست نقطه مقابل این فکر است - اصلاً چه جور نمایشنامه را درك میکند که گفته بکت باشد.

این يك مورد. رویدادهای تئاتر که آقای زهری مینویسند نمیتواند در قشرهای مختلف با آن شکل عمیق مطرح شود - يك مسئله را میخواهم آگاهی بدهم و آن اینست که هنر مربوط به قشرهای مختلف است. عرضی که من کردم از این جهت است که در آن موقع برای رسیدن به هدفی کوشش میشد. اگر تئاتر پنجاه سال قبل دنیا را باحالا بسنجیم و تئاتر ۵۰ سال قبل ایران را هم باحال مقایسه کنیم می بینیم واقعاً اسفناك است - امروز جهت فکری نیست.

شاه محمدی - عرض کنم - آقای وفا در باره نداشتن جهت در تئاتر صحبت کردند و من با این موضوع موافقم - آمریکا در سال ۱۹۱۳ سینما نداشت و تئاتر داشت سینما که بوجود آمد مردم را بسوی خود کشید - بن هوری را که مردم در تئاتر میدیدند با صحنه های بزرگتر و وسیعتر در سینما می دیدند. تئاتر آمریکا ب فکر افتاد جهتش را عوض کند. با رقابت جالب کارش را ادامه داد در حالیکه می بینیم تئاتر در آمریکا نمرده است - بطوریکه در يك تئاتر برادوی برای دیدن يك نمایشنامه باید چند ماه قبل بلیط تهیه کنند. حالا ما چکار کرده ایم - ما اول سینما نداشتیم، تئاتر داشتیم جهت خود را نتوانستیم انتخاب کنیم - در اینجا عدای می آیند و می نشینند و نظر می دهند برای يك برداشت خصوصی که شغلهاشان را حفظ کنند - کارگردانها و دست اندرکاران

تئاتر نیز برای یکدیگر میزنند - اینست که جهت تئاتر ما ناخود آگاه عوض میشود . سینما آمد نمایشنامه های تئاتری را فیلم کرد ولی ما ب فکر عوض کردن تئاتر مان نیفتادیم نمایشنامه هایی که در تئاتر اجرا می شود خیلی بهترش را میشود در فیلم دید . تا زمانی که وضع این چنین است مانمی توانیم پیشرفت کنیم . باید تئاتر را در دبیرستانها رونق داد و تحولی ایجاد کرد .

آذرشاه - آقای شاه محمدی - شما فرمودید باید يك تحولی بوجود بیاید - بنظر شما از چه راهی باید وارد شد تا نتیجه بگیریم .

شاه محمدی - هنر تئاتر سفارشی نمی تواند باشد - اگر بشما چنین پیشنهادی شد شما نمی توانید بنحو احسن پیشنهاد را اجرا کنید . در آمریکا قبل از اینکه وارد يك دانشکده تئاتر شوید از شما تستهای روانی می کنند که شما امکان ندارد بفهمید، آنها در کارا کتر شما عیبهایی کشف می کنند - برای موفقیت بتئاتر آمده ای - برای خود نمائی آمده ای و فکر کرده ای امکان دارد از راه سینما یا تئاتر به این خواسته ها برسی . آنها بتو نمی گویند برو کنار، ترا درمان می کنند . در حالیکه در ایران همه برای خود نمائی کار می کنند ولی ناراحتی روانی دارند و بعضی ها هم هستند که راه را بلد هستند ولی چاره ندارند - از آنها می خواهند - سفارشی قبول می کنند ولی شما

در شهرستانها می توانید ذوقها را کشف کنید .

زهری - آقای آذرشاه شما يك مسئله آموزشی را مطرح کردید - تئاتر در مدرسه تئاتر خاصی است که جهت و هدف دارد - جهت آموزشی دارد - شما مسئول پرورش و کشف استعداد های شاگردان هستید مانند تئاتر روانی که در کشف علل بیماری روانی میکوشد - هدف در مدرسه اجرای هنر نیست ، وسیله ای است برای ابراز شخصیت - چون به این ترتیب شما به شاگرد اعتماد بنفس می دهید و مسئولیتی که در تئاتر باو می دهید او را بخودش متکی و معتقد می کنید در حقیقت شما راهنما و مشاور شاگرد هستید و باید همه کارهای تئاتر را خودشان انجام دهند - نوشتن نمایشنامه تا دکور و حتی فروش بلیط .

فلاح - درباره تئاتر زیاد حرف زدیم ولی از يك عامل مهم صحبت نکردیم و آنهم بازیگری است و آیا در حال حاضر کوششی می شود برای تربیت کردن بازیگر .

شاه محمدی - شما از زمانیکه تئاتر را شروع کرده اید شهامت پیدا کرده اید - جنب و جوشتان بیشتر شد - سؤال می کنید - بازی می کنید - اتود می کنید و همین است که بشما شهامت و اعتماد به نفس می دهد - می توانید خود را بمحیط اطراف خود بشناسانید . بوسیله تئاتر می شود دروغ و کلک را از بین برد .

خانم منظری - سئوالی دارم در باره سابقه عظیم تئاتر و سابقه سینما که چطور رشد با تأثیری که روی مردم داشت، ناگهان جای خودش را به سینما داد.

وفا - سینما از امکاناتی برخوردار است که متأسفانه برای تئاتر نیست - بنابراین تئاتر نمی تواند با سینما رقابت کند - من سابقه عظیم نگفتم - گفتم احتمال تئاتر در زمان هخامنشیان بوده است - مقصود من چهل پنجاه سال اخیر است - چون سینما راحت بدست می آید و در بیشتر شهرهای مملکت تئاتر نیست در حالیکه سینما هست و سینما راهم فقط از روی نقش تماشای کنند اصولاً سینما مسئله سازنده ای نیست - مردم ناگزیر هستند که بروند فیلم تماشا کنند.

خانم منظری - این تئاتر در بین مردم بود ؟

وفا - نه در بین مردم بآن شکل نبود درست است که وقتی نصر و بایگان کار می کردند و نمایشنامه می گذاشتند و مردم با چراغ زنبوری راه می افتادند تا تئاتر را ببینند این از این روست که وسیله سرگرم کننده دیگری نداشتند آنوقت هم باین سبب که عوامل دیگری نبود می رفتند بسوی تئاتر.

کشفی - اگر تنها نیاز مادی کارگردان رفع شود آیا کارش روال مشخصی پیدا می کند ؟

زهری - مسئله واقعاً اینست که

تعهد با مسئولیت درونی است نه برونی - بدینجهت اگر نمایشنامه ای را بمن تحمیل کنند چیزی که می نویسم بازاری خواهد بود و اعتقاد راسخی پشت سرش نیست يك نمایش - نامه نویسی اطریشی بنام ارتور شپپر نمایشنامه ای در همین زمینه نوشته که روزنامه نگاری برای دوروزنامه راست و چپ هر دو مقاله می نویسد - خواه ناخواه اعتقادی در این کار نیست - در دوره هیتلر عده ای از هنرپیشگان و نویسندگان بزرگ آلمانی از آلمان رفتند از جمله برشت و عده ای مخصوصاً هنرپیشه ها ماندند - چون وابسته به فضای تئاتری همان محل بودند و هیچوقت زیر بار تحمیل نرفتند و حتی هیتلر از هنرمندی مانند هنریش گورگ تشویق می کرد ولی آدمهای بدبخت نان بنرخ روزخور را توسرشان می زد - چیزی که هنرمند را نگاه می دارد همان استقلال درونی و اعتقادی است که بکار خودش دارد

وفا - ما دودسته روشنفکر داریم - روشنفکر پویا و روشنفکر اخته - روشنفکر اخته مسائل را می بیند ولی ساکت می نشیند - ولی روشنفکر پویا اقدام می کند - سیاست جزء لاینفک هنر است حالا سیاست حزبی نباشد - سیاست اجتماعی - من از پایگاه عقیدتی خود می گویم.

شاه محمدی - منظور آقای وفا

اینست که ما می‌خواهیم بوسیله هنر سطح فرهنگ مملکت را بالا ببریم .

زهری - هر کسی سلیقه و ذوق خاصی دارد - باید همه دنبال اعتقاد خود بروند پس اول باید آدم اعتقاد پیدا کند - شما باید بچه‌ها را متوجه خودشان کنید - شما متوجه کنید که آنها چه کسی هستند و آنها را صاحب سبک و ذوق کنید . باید بوسیله شما باشعور شوند که چیزی را که انتخاب کردند انتخاب درستی باشد .

شما چیزی را که به بچه یاد می‌دهید برای پر کردن مغز نیست برای باز کردن مغز است - مغز که باز شد اختیار را بدست خودش می‌سپارد تا راه خود را انتخاب کند - و چون مسئله ما مسئله تاثیر آموزشی است واقعاً هدف باید آگاهی دادن از طریق تاثیر به شاگردان باشد و در تاثیر شرکت کنند با قبول مسئولیت از دبستان گرفته تا بالاتر برای بوجود آوردن يك جامعه‌ای که يك مشت آدم بی‌حال بدبخت نباشند . آدمی متحرك بوجود بیاورد برای سازندگی يك اجتماع ایده‌آل .

شاه محمدی - آقای زهری سطح فکر پدر و مادرها را چگونه بالا برد .
زهری - پدر و مادرها را با علاقه‌مند -

کردن می‌شود مغزشان را باز کرد - سه وقتی که بچه را معتقد بیک کار کردید علاقه‌مندش کردید - يك تشویق بوسیله مثلا شهردار یا فرماندار برای بچه بیاورید - یکدفعه می‌بینید پدر و مادرش عوض شدند -

وفا - این يك مقدار در زمینه‌ای بود که من می‌خواستم حرف بزنم - آقای زهری حرفی زدند که خیلی زیبا بود . مغز جوانان را باز کنید پر کنید ولی این شعار است . ملیونها عامل اجتماعی وجود دارد که

مانع باز کردن این مغزها می‌شود . که يك عاملش را آقای شاه محمدی گفتند .

زهری - مهم نیست - چند سال پیش مادر دبیرستان خودمان را کشتیم تا يك نمایشنامه گذاشتیم در حالیکه امروز تمام مدارس نمایشنامه می‌گذارند و تاثیر بازی می‌کنند .

شاه محمدی - ده سال دیگر خیلی بهتر می‌شود باید مبارزه کرد .

وفا - همه ما باید کوشش کنیم در مسیر درست راه برویم - وقتی در دریا پیدا کردیم باید درمان درستش را هم پیدا کنیم کنیم ما اگر می‌گوئیم مغز جوانان را باز کنیم من می‌گویم این فکر ایده‌آلیستی است چطور باید باز کنیم .

زهری - نسلی که اینك زندگی می‌کند باید راهنمای نسل فردا باشد - ما راجع به تاثیر آینده این مملکت صحبت می‌کنیم - تاثیر آینده این مملکت ذوقهائیست که بوسیله معلمان و مربیان امور هنری کشف می‌شود و در جهت درست خودش قرارداد خواهد شد . اول باید این ذوقها کشف شوند بعد کمک کنیم به این استعدادها که در جهت صحیح گام بردارند . و ما با کمبود مدارس هنری روبرو هستیم که امیدواریم وزارت فرهنگ و هنر و تلویزیون و آموزش و پرورش با کمک هم مدارسی تاسیس کنند تا ذوقهای کشف شده به این مدارس بروند و هنر دلخواه خود را دنبال کنند و این پرداختن به هنر ضرورت اجتماعی است و حالا این ضرورت را تا چه حد حس کنند معلوم نیست .

وفا - اول باید بیماری را شناخت و بعد بیمار را درمان کرد .